



Research Article

Reviewing and Criticizing the Exegetical Approach of Sheikh Mohammad Karami in Analyzing the Components of Social Interpretation of the Qur'an (with an Emphasis on the Book of Tafsir of Lektab Allah Al-Munir)

Mina Shamkhi^{1*}, Ali Sharifi², Seied Yousef Mahfouzi Musavi³

Abstract

Social commentary in the field of contemporary commentary is one of the most important achievements in this field. Holistic view, simplistic writing and emphasis on the guidance of the Quran, rationalism in interpretation and not following the interpretation method of the predecessor are the main indicators of this new interpretation approach.

The book "Al-Tafseer Lektab Allah Al-Munir" by Ayatollah Mohammad Karami, one of the contemporary elders, is one of the contemporary social interpretations. He, who is one of the commentators of the Khuzestan region, has chosen the method of social interpretation according to the current conditions.

Therefore, the main goals of this article, after referring to the indicators of social interpretation, is whether the mentioned commentator has observed the social indicators in his interpretation? Can the mentioned interpretation be called a social interpretation only? After examining his interpretation method, we come to the conclusion that he did not follow the method of social interpretation in some verses and did not compile his interpretation based on the indicators of social interpretation. They didn't enter and it just passed by.

Keywords: Holy Qur'an, Social Interpretation, Mohammad Karami, Rationalism, Educational Teachings

How to Cite:

Shamkhi M, Sharifi A, Mahfouzi Musavi SY., Reviewing and Criticizing the Exegetical Approach of Sheikh Mohammad Karami in Analyzing the Components of Social Interpretation of the Qur'an (with an Emphasis on the Book of Tafsir of Lektab Allah Al-Munir), Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(53):49-67.

1. Associate Professor, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2. Assistant Professor, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

3. Doctoral student in the field of Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقد رویکرد تفسیری شیخ محمد کرمی در تحلیل مؤلفه‌های تفسیر اجتماعی قرآن (با تأکید بر کتاب التفسیر لکتاب الله المنیر)

مینا شمخی^{۱*}، سید یوسف محفوظی موسوی^۲، علی شریفی^۳

چکیده

در حوزه‌ی تفسیرنگاری معاصر، تفسیر اجتماعی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این عرصه است. نگاه جامع گرایانه، ساده‌نویسی و تأکید بر هدایت‌گری قرآن، عقل‌گرایی در تفسیر و عدم پیروی از شیوه‌ی تفسیری سلف از شاخصه‌های اصلی این رویکرد جدید تفسیری است.

کتاب «التفسیر لکتاب الله المنیر» آیت الله محمد کرمی از مفسران بزرگ معاصر، از تفاسیر اجتماعی به شمار می‌آید. ایشان که از مفسران خطه‌ی خوزستان است با توجه به شرایط روز، روش تفسیر اجتماعی را برگزیده است و سعی کرده شاخصه‌های آن (تفسیر اجتماعی) را رعایت نماید. این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تدوین گردیده است، نخست به شاخصه‌های تفسیر اجتماعی اشاره نموده، سپس به بررسی شاخصه‌های اجتماعی تفسیر شیخ کرمی می‌پردازد. در ادامه پس از بررسی روش تفسیری ایشان، رویکرد تفسیری این مفسر مورد نقد قرار می‌گیرد. از جمله نتایج این پژوهش این است که ایشان از روش تفسیر اجتماعی در برخی آیات پیروی ننموده و تفسیر خود را بر اساس شاخصه‌های تفسیر اجتماعی تدوین نکرده است. لذا مفسر به برخی از آیاتی که مباحث گسترده‌ی اجتماعی دارند، یا نپرداخته و یا به اختصار اشاره نموده است.

واژگان کلیدی: التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد کرمی، تفسیر اجتماعی، عقل‌گرایی، آموزه‌های تربیتی

۱. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم، کتاب هدایت و راهبری و منبع قانون‌گذاری در دین اسلام محسوب می‌شود. بر اساس همین نگاه و پس از هجوم همه‌جانبه‌ی استعمار به جهان اسلام، جریانی نو در عرصه‌ی تفسیر قرآن پدیدار شد که دیدگاه برخی بر این باور استوار است که تفسیر قرآن پیش از این قرن، در یک روند رکود و جمود طولانی قرار داشته است و این تفاسیر صرفاً تکرار دیدگاه‌های گذشتگان است. بنابراین ما، شاهد یک دوره‌ی طولانی رکود و واگویی هستیم (ذهبی، بی تا: ۲، ۴۹۵).

ماهیت کلی این تفاسیر، تبیین مفردات و تکیه بر احادیث است، در حالی که تهی از مسائل اجتماعی و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای حل و برون رفت از چالش‌های عصر بود (سبحانی، ۱۴۳۲ق: ۱۰۴). از منظر جریان تفسیر اجتماعی، شکاف گسترده‌ای میان مفسر و تفسیر قرآن، جامعه و فرد مسلمان و علوم روز ایجاد شد. بویژه قرن هفتم از سال (۶۵۶-۶۱۶ق) مصادف با انحطاط تمدنی، عقب‌ماندگی، جهل و اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام است. از سوی دیگر این دوران، شاهد برتری حیات مدنی غرب، پیشرفت گسترده در علوم طبیعی و انسانی و حضور جریان مادی‌گرایی در عرصه‌های علمی بود. کشورهای اسلامی نیز شاهد حمله‌ی همه‌جانبه‌ی استعمار غرب به آن‌ها بود. این واقعیت، دلیلی برای ظهور مرحله‌ی جدیدی در همه‌ی سطوح و پیدایش عصر رنسانس علمی و اصلاح‌گرایی در برخی کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. جنبش اصلاح‌گرایانه در عرصه‌ی تفسیر در مصر توسط سید جمال الدین اسدآبادی (۱۸۳۸-۱۸۹۷م) و شاگردانش محمدعبده (۱۹۰۵-۱۸۴۹م) و محمد رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) ظهور کرد. سید جمال الدین نخستین کسی بود که به کاربرت نوگرایی در روش‌شناسی تفسیر و گرایش‌های آن پرداخت. این امر را می‌توان در مقالات وی در «مجله العروه الوثقی» دید. سید جمال الدین کوشید متن قرآن را همگام با واقعیت‌های جهان اسلام تفسیر نماید. انحطاط تمدن اسلامی، استعمار، پیشرفت‌های غرب و... از جمله مفاهیم کاربردی در تفسیر وی به شمار می‌رود (صباغ، ۱۹۹۰م: ۱۲، ۳۱۱ و ۳۱۰). عبده نیز خط مشی استادش را ادامه داد. وی رویکرد اصلاح‌گرایانه‌ی خویش را براساس قرآن به عنوان مرجعی برای اصلاح شرایط اجتماعی کنونی قرار داد (ابن عاشور، ۱۹۷۰: ۱۶۴). عبده به اصلاح خوانش متداول در تفسیر قرآن و پیوند آن به بزرگ‌ترین هدف قرآن یعنی هدایت مردم و رساندن آن‌ها به سعادت پرداخت. وی می‌گوید: «این خوانش تفسیری، همان فهم کتاب است. زیرا دین اسلام، دینی است که مردم را به سعادت زندگی دنیوی و اخروی رهنمون می‌سازد» (رشیدرضا، ۲۰۰۲: ۱، ۱۷) بدین ترتیب عبده اساس کار خویش را در تفسیر قرآن، بر درمان دردهای اجتماعی قرار داد. به تعبیر رشید رضا، عبده به سختی از آیه‌ای از قرآن می‌گذشت، زیرا در جستجو و استنباط راهکارهایی برای درمان بیماری‌های اجتماعی بود (ذهبی، بی تا: ۲، ۵۶۲). خط مشی تفسیر اجتماعی با سید جمال الدین پدیدار شد، اما با عبده و رشیدرضا و سپس شیخ احمد مراغی متبلور گشت. این نگرش در کتاب‌های تفسیری پس از آن‌ها رواج بسیاری یافت. «تفسیر محاسن التاویل» قاسمی، «تفسیر فی ظلال القرآن» سید قطب، «تفسیر الکاشف» مغنیه، «تفسیر من وحی القرآن» سید محمدحسین فضل الله، «تفسیر نمونه» مکارم شیرازی، «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی و... از جمله تفاسیر اجتماعی به شمار می‌آیند.

از مفسران مهمی که کمتر مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است، آیت الله محمد کرمی هویزی معروف به علامه کرمی (۱۳۰۰-۱۳۸۹ هـ.ش) است. وی با نگارش کتاب «التفسیر لکتاب الله المنیر» (در ۸ جلد به زبان عربی) سعی کرد گامی در زمینه تفسیر اجتماعی بردارد. (مجمد الکعبی، ۱۴۲۷ق: ۲۰)

پیشینه‌ی تحقیق

این مقاله به بررسی رویکردهای محمد کرمی در تحلیل مولفه‌های تفسیر اجتماعی قرآن با تأکید بر کتاب «التفسیر لکتاب الله المنیر» می‌پردازد. در واقع این مقاله از نخستین آثار در این زمینه به شمار می‌رود. در زمینه‌ی تفسیر اجتماعی مقالاتی با عناوین: «مبانی و شاخص‌های تفسیر اجتماعی قرآن کریم» (قاضی زاده، کاظم؛ ناظمی، روح الله)، «تفسیر اجتماعی، چالش تعریف‌ها و ویژگی‌ها» (نفیسی، شادی) «بررسی تحلیلی سیر اجتماعی قرآن کریم در قرن اخیر» (گلستانی، صادق) نگاشته شد. اما پژوهشی در قالب کتاب، مقاله و یا پایان نامه‌ای که موضوع مورد نظر ما را به صورت مصداقی بررسی نماید، انجام نشده است. مقالات مذکور فقط به شاخصه‌ها، چالش‌ها و برخی تعاریف تفسیر اجتماعی پرداخته‌اند و مسأله را به طور کلی بیان نموده‌اند. ضمن این که از نکات مطرح شده در این مقالات بهره بردیم، اما تفاوت این مقاله با مقالات مذکور این است که علاوه بر تبیین شاخصه‌های تفسیر اجتماعی، به بررسی مصداقی یعنی روش شیخ کرمی در تفسیر به عنوان یک تفسیر اجتماعی پرداخته است و به عنوان نمونه برخی آیات اجتماعی را که مفسر به پیام‌های اجتماعی آنها اشاره نکرده، ذکر شده است.

پس از تدوین تفسیر شیخ محمد کرمی و بعد از وفات ایشان کتاب «الحیة الفاضله و عبقری من بلادی» از یکی از شاگردان ایشان به نام عبدالله مجدم درباره‌ی وی نوشته شد. در سال ۱۳۸۹ش در مقطع کارشناسی ارشد پایان نامه‌ای با عنوان «الحیة العلمیه و الادبیة لآیة الله محمد الکریمی» تدوین شد که هیچ اشاره‌ای به تفسیر و روش تفسیری وی ننموده است و صرفاً در زمینه‌ی زندگانی و فعالیت‌های علمی ایشان نگاشته شد. اخیراً و در سال ۱۳۹۷ش نشریه‌ای با عنوان رایحه درباره برخی مواقف اخلاقی و زندگی پربرکت این عالم بزرگ نکاتی را به رشته‌ی تحریر درآورده است.

تفسیر اجتماعی قرآن؛ تعریف و مولفه‌ها

تفسیر اجتماعی دارای نگرش‌های مختلف و متنوعی است؛ از جمله نگرش علمی، مذهبی، ادبی، اجتماعی و حتی گاه تفسیرهای اجتهادی و به اصطلاح تفسیر به رأی که در زمینه‌ی مبارزه‌های مسلحانه به کار برده می‌شد (ذهبی، بی تا: ۲، ۲۹۶؛ شرفاوی، ۲۰۱۰: ۱۱۰). به نظر می‌رسد؛ برخی از مفسران به دلیل هم‌گرایی و هم‌پوشانی میان این گرایش‌ها، دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. گاه آن را ترکیبی از رویکردهای ادبی- اجتماعی می‌پندارند (معرفت، ۱۹۷۷: ۲، ۴۵۱)، گاه تفسیر اجتماعی را صرفاً یک تفسیر اصلاح‌گرایانه دینی برای برون‌رفت از بحران‌های پس از جنگ جهانی اول و پس از انحلال خلافت عثمانی تلقی می‌کنند (جمال، ۱۴۱۴ق: ۲، ۶۲۵-۶۲۷). از منظر برخی دیگر از مفسران، تفسیر اجتماعی یک تفسیر عقل-گرایانه است، اما تفسیر اجتماعی جامع همه‌ی موارد فوق و حتی به دنبال ایجاد سازگاری میان آموزه‌های

اسلامی و تمدن غرب نیز بود (محتسب، ۱۹۸۲: ۱۰۱). برخی تفسیر اجتماعی را تفسیر عصر حاضر می‌نامند. تفسیر عصری؛ تفسیری است که با اتخاذ روشی جدید در طرح مباحث جهان بینی و اعتقادی باعث ایجاد تناسب میان اندیشه‌های مسلمانان معاصر با قرآن شده و در صدد پاسخ‌گویی نوین به مباحث است (شرقاوی، ۱۹۷۹: ۴۳۲). گرچه در برخی از موارد نتوانستند تمام آن‌چه را ادعا نمایند، عمل کنند، اما می‌توان گفت یکی از خصوصیات اینگونه تفاسیر پاسخگویی به نیازهای فکری قرن حاضر است (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۵). تفسیر عصری، مفهومی در گستره‌ی عصر حاضر دارد که فرهنگ، سیاست، برخورد جهان بینی‌ها و تمدن‌ها، توسعه‌ی علوم، صنایع و... را با توجه به تأثیر آن‌ها در برداشت از قرآن شامل می‌شود. مفسر در این شیوه با روشی نوپدید مسائل مورد نیاز جامعه را با استفاده از آیات قرآن روشن نموده و به شبهات عصر خود پاسخ می‌دهد (همان: ۳۵۵).

در یک نگاه کلی تفسیر اجتماعی سه بعد هدایتی، اجتماعی و بعد عقلانی را شامل می‌شود. در ادامه به تبیین برخی مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

بازگشت به قرآن کریم

جریان بازگشت به قرآن و یا قرآن‌بستگی در دوره‌ی معاصر و در قرن ۱۳ هـ ق به عنوان جریانی سامان یافته در برخی از سرزمین‌های اسلامی سر بر آورد. پژوهشگران درباره‌ی منشأ این اندیشه و منطقه‌ی آغاز آن هم رأی نیستند. گروهی بر آنند که این جریان در هند توسط سید احمد خان هندی پدید آمد و از آن جا به مصر و سپس به دیگر سرزمین‌های اسلامی سرایت کرد و برخی نیز مصر را زادگاه این اندیشه و برخی عراق را آبشخور آن می‌دانند (شریفی، ۱۳۹۹: ۳۱). این جریان‌ها و حرکت آن‌ها نوید بازگشت به قرآن را در جامعه می‌دهد و به قول ذهبی آن‌چه مشخص است، دنیای امروزی با همه‌ی پیشرفت‌ها و توسعه‌های صنعتی آن نتوانسته است دین را از سطح اجتماعی کنار بزند. قرآن کتاب جاودانه‌ای است که همواره و در همه حال با دگرگونی‌های زمان همراهی می‌کند (ذهبی، بی تا: ۲، ۴۹۵). قاعده‌ی قطعی و برآمده از سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین آن است که قرآن بی شک اولین اصل دین اسلام است و حکم و فرمان خداوند متعال را در درجه‌ی نخست باید از آن جست، اگر حکم مورد نظر در آن یافت شود، همان کافی است و مبنای عمل خواهد بود و با وجود آن نباید آن حکم را در منبع دیگری جستجو کرد و اگر یافت نشود باید حکم را در سنت پیامبر اکرم (ص) جست (رشیدرضا، ۲۰۰۲: ۱، ۱۲۰). مفسران اجتماعی معتقدند که قرآن بالاترین جایگاه را در بین منابع دینی و حتی همه‌ی کتب آسمانی داراست؛ بنابراین، تمام تلاش آن‌ها این است که مسلمانان را به عرصه‌ی نورانی و هدایتگر قرآن بازگردانند و سعی نمودند آیات قرآن را به گونه‌ای تفسیر نمایند که با مسائل روز منطبق گردند تا بلکه مهجوریت قرآن کمتر و برخی آسیب‌های اجتماعی نیز درمان گردد. مفسرانی که به این گرایش تفسیری روی آورده‌اند به عناصری از جمله: پرداختن به مسائل اجتماعی قرآن، درمان مشکلات اجتماعی، تبیین عقاید، وحدت بین مسلمانان، آموزه‌های تربیتی، بیان عام پسند، پاسخ‌گویی به شبهات، انطباق سنن اجتماعی آیات قرآن بر نیازهای عصر و... پرداختند (رضایی، ۲۰۱۱: ۳۸۲-۳۸۵). جمال الدین اسدآبادی که خود یکی از بزرگان این نهضت بود بازگشت به اسلام نخستین را به معنای بازگشت به قرآن و سیره سلف صالح می‌دانست. البته ایشان

بازگشت به سنت را هم لازم دانسته و خطرات «حسینا کتاب الله» را گوشزد نموده است (مطهری، ۱۳۶۹ ش: ۲۱ و ۲۲).

سید جمال الدین شعار بازگشت به کتاب الهی و حاکمیت آن بر قلب‌ها و مناسبت‌های اجتماعی را ضروری می‌دانست و می‌گفت: «آری مادامی که قرآن میان مسلمانان قرائت می‌شود و رهبر واقعی آن‌هاست و آن کتاب آسمانی در همه‌ی امور زندگی مادی و معنوی راهنمای مسلمانان می‌باشد و از موجودیت آن‌ها حمایت و از جوامع اسلامی دفاع می‌کند و متجاوزین به حقوق مسلمانان را منکوب می‌سازد و از هر جهت راه و رسم پیشرفت و ترقی را به آنان نشان می‌دهد بقا و جاودانگی مسلمانان قطعی می‌باشد؛ زیرا ما یقین داریم مسلمانان با استفاده از تعالیم زنده و جاندار قرآن به مقام و موقعیت اولیه‌ی خویش دست خواهند یافت و با استفاده از زمان، همه‌ی آن‌چه را که از دست داده‌اند، دوباره به‌دست خواهند آورد و در فتنون رزم و مقابله با دشمن و دفاع از حقوق خویش بر دیگران سبقت خواهند گرفت تا موجودیت و استقلال خویش را بهتر حفظ کنند. ذلت و سرافکنندگی را از خود و فنا و نابودی را از ملت‌شان دور سازند، چون همه کارها برگشت‌شان به خداوند توانا و یکتاست...» (اسدآبادی-عبده، ۱۳۸۳ ش: ۱۱۰-۱۱۱).

بر اساس این تفکر جامعه‌ی ایده‌آلی که اسدآبادی، رشیدرضا و بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت آن را فریاد می‌زنند، می‌تواند وحدت‌بخش باشد و بر همه‌ی اختلاف‌ها حتی تفاوت‌های منطقه‌ای که از پس آن ممکن است اختلاف‌های نژادی، زبانی و فرهنگی را در پی داشته باشد، فائق آید.

تعقل و آزادی اندیشه در تفسیر اجتماعی

عقل‌گرایی از مولفه‌های مهم تفسیر اجتماعی به شمار می‌آید. ورود تفسیر اجتماعی به مباحث مختلف سیاسی، اعتقادی، اقتصادی، علمی و... نقش عقل را در این قضایا پررنگ‌تر می‌کند. بنابراین، مفسران اجتماعی به کاربست رویکردهای متنوع علمی در تفسیر آیات برآمدند. به عنوان مثال، عقل برهانی فلسفی و نیز عقل توجیهی کلامی در آیات ناظر به اصول اعتقادی مانند توحید، صفات الهی، نبوت و معاد را به کار گرفتند. همچنین عقل ابزار عرفی در آیات ناظر به امور طبیعی و تجربه‌های حسی و تاریخی مانند آیاتی که مخاطب را به مطالعه و نظر در نشانه‌های حسی عالم هستی و سرگذشت امت‌های دیگر فرا می‌خواند، به کار می‌آید و عقل هرمنوتیکی در فهم و تفسیر آیات متشابه (اسعدی، ۱۳۹۷ ش: ۱۲). محمد عبده که یکی از چهره‌های شاخص جریان تفسیر اجتماعی است، می‌گوید: «نخستین اصل در اسلام برای تحصیل علم؛ تعقل است، بر این پایه می‌توان گفت که نخستین اساسی که اسلام بر آن بنا شده نیز تعقل است. برخورداری از دیدگاه عقلی از نظر اسلام ابزار ایمان صحیح است. اسلام خود عقل را حجت و داور قرار داده است و روشن است که هر کس حاکمی را داور و حجت قرار دهد، به سلطنت و حکومت او اقرار کرده است. در این صورت چگونه ممکن است که بر عقل ستم کند و بر علیه او برخیزد» (رشیدرضا، بی تا: ۱، ۲۱ و ۲۲). همچنین کاربست رویکرد عقل‌گرایی در تفاسیر معاصر موجب دوری از تقلید و واگویی صرف گردیده است. عقل به مثابه‌ی ابزاری کارآمد برای دریافت فهم دین و آموزه‌های دینی نقشی مهم و انکارناپذیر دارد. اما عقل‌گروی که در جریان حاضر از مؤلفه‌های اساسی روش و نظریه‌ی تفسیری آن به شمار می‌آید، از حد

ابزار ساده فهم، فراتر رفته و به نقش عقل به عنوان منبعی قابل اعتماد برای ارزیابی مفاد ظاهری آیات و نقل‌های روایی و تفسیری نظر دارد (السعدی، ۱۳۹۷ش: ۶۷).

تأکید بر آموزه‌های تربیتی

اساساً انسان به آموزش و تربیت نیاز دارد و در عرف قرآن دین همان آموزش راه و رسم زندگی است. قرآن که به استوارترین راه انسان را هدایت می‌کند، ریشه‌دارترین مقررات را برای انسان عرضه می‌نماید. بنابراین مفسران امروزی با اتکاء به این دیدگاه به یکی از شاخصه‌های مهم تفسیر اجتماعی که همان بحث تربیت است، تأکید دارند و حتی تلاش می‌کنند نکات به روزی را از معارف قرآن استخراج نمایند. در تفاسیر اجتماعی، یکی از شاخصه‌های مهم و اهداف اصلی تفسیر معاصرانه‌ی قرآن توجه به آموزه‌های تربیتی است. این نوع نگاه به قرآن که غایت آن هدایت و سعادت بشر در همه‌ی نسل‌ها و در تمام زمان‌هاست، می‌تواند باعث رفع مہجوریت قرآن حتی در جامعه‌ی جهانی شده و به نظر می‌رسد یک تعریف نو و به روزی از حقیقت قرآن و معارف والای آن به جهان عرضه کند (معرفت، ۱۹۹۷: ۲، ۴۸۴). قرآن از منظر رشیدرضا به عنوان یک مفسر اجتماعی، کتابی برای زندگی است که باید خوانده، فهمیده و به آن عمل گردد تا دنیای مسلمانان اصلاح گردد. جهت تحقق این امر، مفسران این جریان، جنبه‌هایی از فهم قرآن را ارائه دادند تا مخاطب امروزی پذیرا باشد (رشیدرضا، ۲۰۰۲: ۲، ۵۷-۶۳). وی از یک سو در آشتی دادن اندیشه‌های نو با مبانی تفکر اسلامی می‌کوشید و از سویی دیگر با رویکردهای سکولار که شرط پیشرفت مصریان را وانهدان دین به نفع عقل مدرن و فرهنگ اروپایی می‌دانستند، مبارزه می‌کرد. از این‌رو، او در برابر فرهنگ و مدنیت غرب وضعی انفعالی نداشت. به عقیده‌ی وی قوانین و روش زندگی اروپایی برای مصریان سودمند نبود؛ زیرا این قوانین و روش‌ها در بستر فرهنگی ویژه روئیده و قابل تقلید نبودند. عبده همچنین اعتقاد داشت اسلام هنوز توانایی تحرک و راهبری جامعه‌ی امروز را از دست نداده و با زدودن افکار انحرافی و خرافی از پیکر آن، می‌تواند هم عامل پیشرفت باشد و هم مبنای زندگی فردی و اجتماعی (عنایت، ۱۳۶۲ش: ۱۴۷).

اصالت جامعه در تفسیر اجتماعی

اصالت فرد یا جامعه یکی از مباحثی است که مفسران درباره‌ی آن نکاتی ارائه نموده‌اند. البته در این‌که اصالت با فرد است یا جامعه، اختلاف نظر نیز وجود دارد (بیزدی، ۱۳۹۰ش: ۴۷) مفسران متقدم از واژه‌ی «امت» معنایی که مفسران امروزی می‌فهمند، برداشت نمی‌کنند. آن‌ها این واژه را به معنای فرقه و جماعت (گروه) در نظر گرفته‌اند (طوسی، بی‌تا: ۲، ۵۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲، ۸۰۶). اما از منظر برخی از مفسران همچون علامه طباطبایی واژه‌ی «امت» دلالت بر اصالت جامعه در برابر فرد است. وی به جامعه به عنوان امری متمایز و پدیده‌ای مستقل از افراد می‌نگرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴، ۹۴). به عنوان مثال در تفسیر آیه‌ی «صَابِرُوا وَرَابِطُوا» (۲۰۰ / آل عمران) می‌نویسد: «دین اسلام علاوه بر توجه به زندگی فردی، به وجه اجتماعی نیز نظر دارد، اگر مرابطه نباشد، گو این‌که صبر تک تک آدمیان، علم آن‌ها و هر فضیلت دیگری به تنهایی فقط می‌تواند بعضی از سعادت‌ها را تأمین کند که طبعاً سعادت حقیقی نیست. پس باید رستگاری حقیقی را که در پرتو جامعه حاصل می‌شود، جستجو کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴، ۹۲). علامه

بر این باور است که جامعه‌ی انسانی مانند شخص واحد، دارای اعضای مختلفی است که در غرض و هدف حیات با یکدیگر مرتبط اند (همان، ۱۴۱۷ق: ۷، ۳۸۷). می‌توان گفت ترکیب جامعه از افراد، نه مانند ترکیب عناصر است و نه از نوع ترکیب‌های صد درصد اعتباری، در این رویکرد جامعه در عین این که مرکب است ولی با ترکیب‌های دیگر فرق دارد. یعنی شخصیت فرد به کلی از بین نمی‌رود و همچنان از نوعی شخصیت و آزادی و استقلال بهره‌مند است، این می‌شود اصالت فرد در عین اصالت جامعه (مطهری، ۱۳۶۹ش: ۱۴۱). به تعبیر برخی از دین‌پژوهان معاصر، روایت «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَوَاصُلِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ» مومنان را به مثابه پیکر می‌داند که دارای هویت و شخصیت مستقل است (مطهری، ۱۳۶۹ش: ۱۵، ۵۷). مفسر اجتماعی که هدف اصلی وی، ارائه راهکارهایی برای برون رفت از مشکلات جامعه است. بدیهی است که هنگام تفسیر قرآن بیشتر به مباحثی می‌پردازد که با هدف آن ارتباط داشته باشد. مفسر این روش تفسیری می‌کوشد تا روح هدایت‌گری قرآن را به بهترین شکل در دسترس مخاطبان قرار دهد و معارف نجات بخش کلام وحی را به تصویر بکشد. این مفسران حتی به بررسی داستان‌های قرآنی می‌پردازند تا با جلب توجه نگاه مخاطبان به نکات عبرت آموز آیات قرآن، در جهت اصلاح اوضاع اجتماعی گام بردارند. رشید رضا در این باره می‌نویسد: «اگر قرآن داستان گذشتگان را بازگو می‌کند، از این روست که این داستان‌ها اصول دین و مبانی اصلاح را می‌نمایانند» (رشیدرضا، ۲۰۰۲: ۱، ۲۱۲، ۲۷۱، ۲۷۴).

پویایی، نگاه نو به دین و تحولات روز

گرایش اجتماعی در تفسیر از نوآوری‌های مفسران در سده‌های اخیر می‌باشد و مفسران در این رویکرد به دنبال پاسخی در جهت برطرف نمودن معضلات و مشکلات اجتماعی می‌باشند و بالطبع راه حل این آسیب‌ها را می‌بایست در لابلای آیات قرآن جست. نگاه نو به آیات قرآن و پویایی و تطابق با تحولات روز از مهمترین نکات این رویکرد تفسیری می‌باشد. بدیهی است هر عصری ویژگی‌های ویژه‌ای دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پدید آمدن مسائل و مفاهیم جدید در عرصه‌ی زندگی نشأت می‌گیرد؛ بنابراین، مشکلات، آسیب‌ها، ضد هنجارها و گرفتاری‌های اجتماعی مخصوص به هر زمان، بر اثر گذشت زمان و دگرگونی‌های حاصل از آن تحوّل پدید می‌آید. حال مفسران قرآن کوشیده‌اند به پرسش‌های جدید اجتماعی و در جهت رفع مشکلات مسلمانان، پاسخ جدید و گام‌های مؤثر همراه با ارتقای زمانه بردارند و در واقع این مهم را به صورت جدید و متناسب با زمان مطرح نمایند.

مطالب تفسیری این نوع گرایش و اندیشه، برگرفته از قرآن و با شیوه‌ای جذاب است تا مردم و جوانان را به سوی قرآن جذب نموده و دانش‌های موجود و نیز سنت‌های اجتماعی را منطبق با قرآن سازند. در این گرایش مفسر با نگرش جامعه‌زدایی تحت تاثیر نیازهای اجتماعی است، ممکن است شیوه‌ها و نیز اندیشه‌های سنتی را محکوم نماید. در این گرایش مفسرانی می‌توانند قدم گذارند که نسبت به سنت‌گرایان و سنت‌های موجود تحوّل‌گرا باشند.

مراغی که یکی از مفسران اجتماعی است و در تفسیر خود گسترده‌ترین مباحث اجتماعی عصر خود را بیان کرده است، می‌گوید: «تفاوت این عصر با بیان آسان اهلش مشخص می‌گردد تا مراد از بیان در مکالمه

بدون مناقشه و تأویل بیان گردد. این تفسیر را با اسلوب عصر حاضر نوشتیم و این روش من در تألیف این تفسیر بود» (مراغی، بی تا: ۱، ۱۸). هر عصری ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه‌ی زندگی سرچشمه می‌گیرد. همچنین هر عصری مشکلات، پیچیدگی‌ها، و ویژگی‌های مخصوص به خود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگ‌ها که لازمه‌ی تحول زندگی و گذشت زمان است می‌باشد. افراد پیروز و موفق آنها هستند که هم نیازها و تقاضا را درک می‌کنند و هم مشکلات و گرفتاری‌ها را که مجموع آن‌ها را مسائل عصری می‌توان نامید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱، ۲۳).

جمع بین قرآن و علم

به نظر می‌رسد یکی از اهداف اساسی تفسیر اجتماعی؛ اثبات توانمندی اسلام در تأمین سعادت دنیوی و اخروی جامعه‌ی امروزی است. اثبات این مدعا باید با نشان دادن راه صحیح زندگی و تطبیق آیات قرآن با نیازهای روز صورت پذیرد. تحقق این اهداف در تفسیر قرآن، تنها با باور به عقل و بهره‌گیری از آن در تفسیر امکان پذیر است. مفسر می‌تواند به زبان امروز، دامن اسلام را از اتهامات بپیراید و به پیام‌گیری از آیات و تطبیق آن با مسائل روز بپردازد که به توانمندی عقل در فهم آیات باور داشته باشد، از تقلید بپرهیزد و حرفی نو مطابق با نیازهای روز ارائه دهد و باب اجتهاد را در این‌ها باز ببیند. پرداختن به مسائل علمی در تفسیر اجتماعی قرآن برای اثبات همگامی قرآن با علم است. مکارم شیرازی در ذیل تفسیر آیه‌ی ۶ تفسیر سوره یونس بحثی را با عنوان فرق میان «ضیاء» و «نور» می‌آورد، نظرات مفسران را در این باره ذکر می‌کند و سپس درباره‌ی منزلگاه‌های ماه سخن به میان می‌آورد، در این باره توضیحاتی ارائه می‌نماید و در ادامه می‌نویسد: «آیه‌ی فوق در حقیقت اشاره به یکی از مسائل علمی مربوط به کرات آسمانی می‌کند که در آن زمان از نظر علم و دانش بشر پوشیده بود» (همان: ۸، ۲۲۸ و ۲۲۷). لازم به ذکر است که این مفسر در ادامه درباره‌ی عدد، حساب و بحث تقویم توضیحات ارزنده‌ای می‌دهد. در هر صورت مفسر اجتماعی می‌کوشد تا ثابت کند نه تنها آیات قرآن هیچ گونه مخالفتی با علم ندارند، بلکه قرآن مطابق با علم و نیازهای روز بشر است و در واقع تأمین‌کننده‌ی سعادت اوست. ذهبی درباره‌ی هدف رشیدرضا از تفسیر می‌گوید: «بأنَّ هَدَفَهُ مِنَ التَّفْسِيرِ هُوَ فَهْمُ الْكِتَابِ مِنْ حَيْثُ هُوَ يَرْتَدُّ النَّاسَ إِلَى مَا فِيهِ سَعَادَتِهِمْ فِي حَيَاتِهِم الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» (ذهبی، بی تا: ۲، ۳۸۹).

محمد کرمی حویزی

شیخ محمد کرمی در سال ۱۳۰۰ ه.ش در نجف در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدر و اجدادشان از خانواده‌ای روحانی و از علمای بزرگ شیعه بودند (مجدد الکعبی، ۱۴۲۷ق: ۲۰). نجف مرکز پرورش علما و حکما بود و شیخ کرمی در آن جا رشد کرد. پس از وفات پدر بزرگش در نجف تصمیم گرفت که نجف را ترک و به هویزه برگردد. (همان: ۲۲). ایشان پس از ورود به خوزستان به درس صرف و نحو روی آورد و البته با لغت فرانسوی و حساب و هندسه نیز آشنا گردید (کرمی، ۱۳۶۶ش: ۲۴). بعد از قریب به یک سال زندگی در خوزستان، به قم مهاجرت کرد. هنگام ورود به قم، یکی از اتاق‌های مدرسه‌ی فیضیه در اختیار

وی قرار گرفت (همان: ۲۸). در قم از اساتید بزرگی همچون سید محمد کوه کمری، سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، سید حسین بروجردی و حضرت امام خمینی (ره) بهره برد. وی علاوه بر کتاب تفسیر، کتاب‌های زیادی همچون «التقريب الى الحواشي و التهذيب»، «الوشاح على الشرح المختصر»، «التلخيص المفتاح» و... را به رشته تحریر درآورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وارد سیاست شد و به عنوان نماینده ی مجلس خبرگان استان خوزستان انتخاب گردید. شیخ کرمی به مدت ۳۶ سال در اهواز اقامت گزید تا عمر مبارک‌شان در سن ۸۳ سالگی به پایان رسید و در آذرماه ۱۳۸۳ ش دارفانی را وداع گفت (کرمی، ۱۳۶۶: ۴۸).

مؤلفه‌های تفسیر اجتماعی قرآن از منظر محمد کرمی

در اینجا به بیان، مؤلفه‌های اساسی تفسیر اجتماعی قرآن از منظر محمد کرمی خواهیم پرداخت.

عقل‌گرایی در تفسیر

عقل‌گرایی از شاخصه‌های مهم تفسیر اجتماعی به شمار می‌آید. نقش عقل در این گونه تفاسیر پررنگ است. کاربست عقل و اتخاذ آن به عنوان مصدر تشریح در طول کتاب الهی و سنت پیامبر اکرم (ص) و کسانی که به این سمت گرایش داشتند، با ادله و براهین باطل است. علمای شیعه به دو صورت به عقل می‌نگرند:

۱. هر حکم عقلی با حکم شرعی قطعیت پیدا می‌کند.
۲. استنباط احکام شرعی با رجوع به متون و ادله‌ی مذکور در کتاب و سنت (مقدم الکعبی، ۱۳۸۷: ۲۰۸ و ۲۰۷).

شیخ کرمی در کتاب بحوث و آراء خود بخشی را با عنوان «العقل و الدین» می‌آورد. ایشان در این باره می‌نویسد: «عقل قوی‌ترین جهاز احساس در انسان است که با دیگر حواس متمایز می‌گردد و همنشین با بازگشت و کثرت سوال و پاسخ از آن ممتاز می‌گردد و جایگاه صاحبش را بالا می‌برد» (کرمی، ۱۳۸۷: ۴، ۱۵۲ و ۱۵۳). همچنین می‌نویسد: «اگر عقل نبود، دین به تنهایی نمی‌توانست حتی یک لحظه در قلب یک انسان ورود کند. بنابراین عقل تنها عاملی است که نفس را برای قبول دین و خضوع در برابر آن، آماده می‌کند و برای همین است که همیشه گفته می‌شود که عقل‌ها پیامبران باطن و انبیاء پیامبر ظاهری هستند» (همان، ۱۳۸۷: ۴، ۱۵۲ و ۱۵۳). کرمی در تفسیر آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت می‌نویسد: «در آن تعقل نمی‌کند مگر آن‌چه به ذهنش می‌رسد، سپس به خودش برمی‌گردانیم و هیچ چیزی خداوند در آسمان‌ها و زمین نمی‌آفریند مگر اینکه در آن حکمتی باشد» (کرمی، ۱۴۰۲: ۱ق: ۶، ۲۲۷).

کرمی در تعریف ظلم می‌نویسد: «معنای ظلم تعدی از مرکز حق و همانا انکار کلیه‌ی عقول» (کرمی، ۱۴۰۲: ۳، ۲۸۵)، همچنین در تفسیر آیه‌ی ۱۷۱ سوره‌ی اعراف «أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ..» به معنی «إِنَّهَا لَمْ تَقُمْ عَلَيْهَا حُجَّةٌ وَ كَيْفَ تَقَوْمُ بِهَا الْحُجَّةُ وَ الْعُقُولُ تَأْبَاهَا» به معنی این است که فاقد دلیل هستند و چگونه دارای دلیلند و عقول از آن پیروی نمی‌کنند.

در شرح آیه «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف/۹۹) می‌نویسد: «و یفاد بالآیه نکات شریفه و هی آن الایمان معناه سکون النفس و اطمئنائها الی الممادی الفاضله الّتی تؤید مفاهیمهما العقول السلیمه علماً و عملاً...» (همان: ۳، ۳۲۵) این آیه نکات ارزشمندی را یادآور می‌کند و آن این است که معنای ایمان سکون نفس و اطمینان آن به سوی مبادی فاضلی است که عقول سلیمه آن را به صورت علمی و عملی تأیید می‌کند.

و قوله تعالی «و إن تولوا فإنا هم فی شقاق» (بقره/۱۳۷) واضح است که دین در ابتدا انذار را در برنامه دارد و اگر این برنامه موفق نشود از قوهی قهریه استفاده می‌کند و این مسأله مورد تأیید عقول صحیحه و موازین علمی است (همان: ۱، ۱۷۷). شیخ کرمی در تفسیر آیات ۱۳ تا ۱۵ سوره اسراء می‌گوید: «طائر در این جا عمل است و علت تشبیه آن به طائر آن است که اعمال ظاهری به دلیل کثرت آن‌ها بین مردم و شیوع آن‌ها، اخبار آن‌ها بین مردم مانند یک پرند می‌چرخد و در جو منتشر می‌گردد (کرمی، ۱۴۰۲: ق: ۵، ۱۹۸).

توجه به نکات تربیتی در تفسیر

از مؤلفه‌های مهم تفسیر اجتماعی توجه به شاخص تربیت در قرآن است. مفسر اجتماعی نکات تربیتی در قرآن را برجسته می‌نماید؛ زیرا هدف خویش را اصلاح جامعه می‌داند؛ پس می‌کوشد مباحث تربیتی را محور گفتمان خویش قرار دهد. کرمی که در ابتدای تفسیر خویش ادعا می‌کند که تخصصش مباحث زندگی اجتماعی است، در آیات بسیاری به نکات تربیتی آیات اشاره می‌کند؛ اما ایشان سیر متوازنی را در پیش نگرفته و در برخی آیات نکات آن‌ها را برجسته و توضیح می‌دهد و در برخی موارد ساده و بدون توضیحی خاص گذر می‌نماید. به عنوان مثال ایشان در تفسیر آیه‌ی ۲۷ سوره آل عمران «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا...» (کرمی، ۱۴۰۲: ق: ۲، ۴۰) استمداد از پروردگار همراه با طهارت ضمیر و اخلاص در نیت اثر مهمی دارد. پس وقتی زن عمران آن‌چه را که در شکم خویش دارد در راه خداوند متعال نذر می‌کند، بعد از زایمان، آن نوزاد را در پناه خدا قرار داده و از خداوند متعال درخواست می‌کند که او را از پلیدی‌های هر شیطان و خبیثی دور نگه دارد و پروردگار نیز آن را به بهترین نحو قبول می‌کند. ایشان در ادامه می‌گوید: «خلاصه‌ی مطلب این است که هر زنی خود را حفظ کند و به دنبال کسب فضیلت باشد و در ساختن مدینه‌ی فاضله مشارکت جوید، این زن سرور است. قرآن زنی را که در خیابان‌ها خودنمایی می‌کند و مردان را با به نمایش گذاشتن زیبایی‌هایش به فتنه می‌اندازد و جاهلان را فریب می‌دهد و بدین وسیله مجرای زندگی را با انواع فریب‌ها - همچنان‌که امروزه وجود دارد - تغییر می‌دهد و راه کسانی را در پیش می‌گیرد که معتقدند دین حق، زن را با ممنوع ساختن آرایش، خودنمایی، سینماها، تئاترها، طنزها و... ضایع کرده است و آن‌ها می‌دانند که این غلط مفتضح آن‌ها صحیح نیست لکن مغالطه می‌کنند» (کرمی، ۱۴۰۲: ق: ۲، ۳۹).

کرمی در تفهیم و تبیین برخی آیات، از شعر نیز بهره می‌گیرد. وی در تفسیر آیه‌ی ۱۴۳ همین سوره می‌نویسد: «مضمون آیه این است که اگر اهداف دارای ارزش و مقاصد عالی باشد، مستلزم زحمت بسیار و تحمل رنج فراوانند و همان‌گونه که شاعر می‌گوید: و إذا كانت النفوس كِبَارًا - تَعَبَتْ فِي مَرَامِهَا الْأَجْسَامُ:

وقتی شخصیت‌ها بزرگ باشد جسم‌ها نیز به تبع آنها دچار زحمت و رنج می‌شوند (کرمی، ۱۴۰۲: ۲، ۱۲؛ المتنبی، بی تا: ۲۶۷) و باید بداند که معنویات مانند مادیات اگر بیشتر شوند با تعب و جهد همراهند. پس انسان جایگاهش بالا نمی‌رود، مگر با جهاد نفس در جهت طلب جایگاه‌های والا و کرامت در زندگی بدون مجاهدت و صبر به دست نمی‌آید، همچنان که مادیات نیز بدون زحمت حاصل نمی‌گردد و رسیدن به درجات آخرت به نسبت دنیا همان گونه هستند» (همان، ۱۴۰۲: ۲، ۱۲۴-۱۲۳).

توجه به عقل اجتماعی

مفسر اجتماعی که تمام توان خویش را برای حل مشکلات جامعه به کار می‌بندد، به مباحث تفسیری بسیار مهمی اشاره می‌کند که قوام جامعه توسط آن‌ها صورت می‌پذیرد. طبق فرمایش قرآن ثروت و مسائل اقتصادی قوام و ستون جامعه است و ثروت را نباید به انسان سفیه سپرد. کرمی در این ارتباط روح تعلیمی و هدایتی قرآن را به سادگی در دسترس مخاطبان قرار می‌دهد و با استفاده از بیانی ساده به تفسیرنگاری در این زمینه می‌پردازد. امروزه تفاسیر در قالبی همه‌پسند ارائه می‌شود. محمد صالح یکی از نویسندگان معاصر می‌گوید: «به دنبال تغییرات ژرفی که در سطوح فکری و اجتماعی جامعه مسلمانان پدید آمد، تغییراتی نیز در طرز فکر و سبک نگارش نویسندگان و در سلیقه‌ی خوانندگان ایجاد شد. آن‌سان که خواندن کتاب‌های پیشین بر خواننده‌ی امروزی دشوار بود» (محمد صالح، ۱۴۲۴: ۳۲۶).

کرمی در تفسیر خویش به بیان مسائل اقتصادی می‌پردازد؛ اما سعی می‌کند آن‌ها را ساده تبیین نماید، ولی در تفسیر آیه‌ی ۵ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ...» (الایعاء التَّخْوِيلَ وَالسَّفِيهَ لِلْعَقْلِ الْجَمَاعِيَّ الْاِقْتِصَادِيَّ الْحَيَوِيَّ وَ قِيَامَ بِمَعْنَى قِيَامِ الْقَوْلِ الْمَعْرُوفِ هُوَ الْقَوْلُ الْاِقْتِنَاعِيَّ) مفاد آیه این است که جایز نیست عاقل کل مال خویش را در اختیار کسی قرار دهد که فاقد عقل اجتماعی و اقتصادی است. تفاوتی نمی‌کند که این سفاهت اعتباری باشد - مانند کسی که قادر به اداره‌ی امور زندگی خویش نیست - یا کسی که در هزینه‌ی مخارج زندگی و شئونات خویش بی حساب عمل کند. شامل این نهی می‌شود... در این‌جا منظور کسی است که بر حرکات و سکنات خود تسلط داشته باشد. آیه‌ی مذکور به احترام مال نزد خداوند متعال اشاره می‌نماید چرا که قوام بشریت به آن است و واجب است که در هزینه نمودن آن نهایت تعقل و تدبیر به کار گرفته شود... «وَرَزَقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ» برای وجوب است و این در حالی است که انفاق در این زمینه از واجبات است و آلا به اعتبار موردی از استحباب و مباح است و مراد از «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» بر شما عقلاً واجب است که از سلطه‌ی مالی سفهاء خارج شوید و درست آن‌ها را قانع کنید (کرمی، ۱۴۰۲: ۲، ۱۸۶). اما دلیل احترام مال نزد خداوند متعال احترام مؤکد و محافظت از آن لازم می‌باشد؛ زیرا تنها اسبابی است که می‌تواند زندگی را رشد دهد، عواطف بشری را جلب نماید و به همین دلیل است که مادی‌گرایان معتقدند که ماده محور اصلی تحرکات عالم است گرچه در بسیاری از مواردی که تعریف کردند، خطا رفتند (همان).

نقدی بر رویکرد تفسیری محمد کرمی

مفسران عصر حاضر با اتخاذ روشی نوین در تفسیر، در صدد پاسخ دادن به سؤالات و مسائل روز برآمدند. شیخ کرمی نیز به عنوان یک مفسر اجتماعی سعی نموده است در این عرصه گام بردارد. هدف اصلی گرایش اجتماعی بهره‌گیری از کلام وحی در ارتباط با مسائل نوپدید جامعه‌ی بشری و به‌طور کلی پاسخگویی به مشکلات انسان معاصر است. بعضی نیز تجدید تراث دین و بازاندیشی میراث فرهنگی مطابق با نیازها و درخواست‌ها را از مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر عصری می‌دانند (حنفی، ۲۰۱۲: ۱۳-۱۱).

کرمی گرچه ادعا نموده است تفسیرش، تفسیری اجتماعی است و در صدد حل معضلات جامعه است؛ اما در موارد گوناگونی از چارچوب و شاخص‌های این گرایش خارج شده است. وی سعی نموده، مسائل اجتماعی را مطرح و جهت آسیب‌های موجود در جامعه راهکارهای به روزی ارائه نماید. اما در این تفسیر نه تنها روش نوینی را ارائه نموده است، بلکه در مواردی از روش تفاسیر گذشته نیز فاصله نگرفته و به روش سنتی عمل کرده است. مفسر در این عرصه باید به گونه‌ای به آیات بنگرد که بتواند پیام‌های مختلف آن از جمله: اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را استخراج نماید.

در ادامه به نقد روش اجتماعی شیخ کرمی در کتاب «التفسیر لکتاب الله المنیر» می‌پردازیم. این بحث نقدی بر ادعای جنبه‌ی اجتماعی این کتاب است. این تفسیر بر خلاف ادعای مفسر، مطابق با همه‌ی شاخصه‌های گرایش اجتماعی مدون نشده و مفسر برخی از این شاخصه‌ها را رعایت نکرده است که به آن‌ها اشاره خواهیم نمود:

عدم پرداختن به برخی از آیات اجتماعی

تفسیر اجتماعی قرآن شاخه‌ای از روش تفسیر اجتهادی-علمی است که در صدد کشف مراد الفاظ قرآن بر اساس نیازهای واقعی عصر حاضر است. مفسر در این روش در تلاش است بین نظریه‌ی قرآن در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، با اهداف اجتماعی هماهنگی برقرار کند (ایازی، ۱۴۱۴ق: ۵۳). برخی، تفسیر اجتماعی را «المدرسه الحدیثه فی التفسیر» نامیدند (آل جعفر، بی تا: ۲۵۷). از شاخصه‌های مهم این تفسیر توجه به آیات قرآن جهت حل مسائل و درمان آسیب‌های اجتماعی است. شیخ کرمی گرچه در ابتدای تفسیر خود ادعا نموده است که در تفسیر اجتماعی خود به مسائل اجتماعی پرداخته است، اما به پیام برخی آیات اجتماعی که بسیاری از مفسران به آن‌ها اشاره نموده‌اند، ایشان اشاره نکرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴، ۹۲-۱۳۲؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲ق: ۱، ۵۵۲) در ادامه به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱- یکی از مهم‌ترین آیات اجتماعی قرآن؛ آیه‌ی ۲۰۰ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران است. صاحب «التفسیر لکتاب الله المنیر» مطلب خاصی در تفسیر این آیه نگفته است و بسیار ساده از پیام آیه گذشته است. وی در شرح مفردات آیه به نکاتی اشاره نموده است، اما در مورد پیام‌های اجتماعی آیه که دیگر مفسران نکات فراوانی گفته‌اند، سخنی نگفته است (کرمی، ۱۴۰۲ق: ۲، ۱۷۶).

۲- در تفسیر آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی توبه می‌نویسد: اگر منافقین متحد شوند، نمی‌توانند به خداوند، حضرت رسول(ص)، ایمان و مؤمنین ضرر برسانند چون پیامبر و کسانی که به آن ایمان آوردند، با اموال و جان

خود در اکثر میدان‌ها جهاد کردند و پیروز شدند آن‌ها مؤمنین واقعی هستند (همان: ۴، ۱۱۱). شیخ کرمی سخنانی در حد ترجمه آیه در تفسیر خود آورده است در حالی که مفسران اجتماعی نکات زیادی در تفاسیر خود ذکر کرده‌اند (شیرازی، بی تا: ۸، ۷۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۵، ۱۲۲).

۳- در تفسیر آیات ۲۶-۲۸ سوره‌ی حج به تأثیرگذاری فریضه‌ی حج، پیام‌ها، نکات اجتماعی و تربیتی اعمال حج، ورود خاصی نمی‌کند و پس از تبیین معنای لغوی چند کلمه، به تفسیر آیات پایان می‌دهد (کرمی، ۱۴۰۲ق: ۶، ۴۸). این در حالی است که مفسران اجتماعی در برخی تفاسیر تا چند صفحه در خصوص تفسیر این آیات و پیام‌های اجتماعی و تربیتی آن‌ها سخن گفته‌اند (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق: ۴، ۲۴۱۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۸، ۵۱).

عدم پرداختن به برخی از آیات تربیتی

تعلیم و تربیت انسان و هدایت وی به سوی استوارترین راه، هدف اصلی نزول قرآن است همچنان که خود قرآن در آیات مختلف به این مهم اشاره فرموده است. (اسراء/۹، جن/۲). بعد از قرآن سیره نبوی از مهم‌ترین منابع تربیتی و اجتماعی مسلمانان است، لذا اولین تفاسیری که در حوزه‌ی تفسیر تربیتی به نگارش در آمده‌اند، تفاسیر عرفانی بودند (میبدی، بی تا: ۱۰، ۳۷۷-۳۷۴).

در تفسیر تربیتی، مفسر علاوه بر توضیح و بیان لغات مشکل قرآن، سعی می‌کند نتیجه و پیام آیات را به خواننده برساند. در این روش مفسران در تلاشند پیام‌های قصه‌های تاریخی را استخراج نمایند. این روش یکی از موثرترین، مفیدترین و با جاذبه‌ترین روش‌هایی بوده است که از دیرباز در میان تفاسیر قرآن معمول بوده است (خرمشاهی، ۱۳۸۱ش: ۱، ۶۴۷). تفسیرهای اجتماعی، غالباً به مسائل تربیتی نیز پرداخته‌اند، هرچند برخی در تفسیرشان، از گرایش دیگری بهره برده‌اند (مودب، ۱۳۸۶ش: ۲۷۹).

آیت‌الله طالقانی که خود مفسر اجتماعی است و بر نکات تربیتی قرآن تأکید دارد، اصلاح جامعه را موهون تربیت تدریجی و پرورش فرهنگی می‌داند. وی شرط پیشرفت و پیشرو شدن جامعه‌ی اسلامی را ارتباط دائمی با قرآن می‌داند؛ ایشان در این باره می‌نویسد: این کتاب هدایت که چون نیم قرن اول اسلام باید بر همه‌ی شئون نفسانی، اخلاقی، قضاوت و حکومت حاکم باشد یکسره از زندگی برکنار شده و در هیچ شانی دخالت ندارد. دنیای اسلام که با رهبری این کتاب روزی پیشرو و رهبر بود، امروز دنباله‌رو شده است (طالقانی، ۱۳۶۲ش: ۱، ۱۳). این مفسر سعی می‌کند نکات تربیتی را در حد خود استخراج و ارائه نماید. شیخ کرمی به عنوان یک مفسر اجتماعی که به قول ایشان تخصصش در مسائل فرهنگی و اجتماعی است، در آیات فراوانی که حامل پیام‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است، ورود نمی‌کند و در حد ترجمه از آن‌ها می‌گذرد. به عنوان مثال به چند آیه اشاره می‌شود:

ایشان در تفسیر آیه ۳۶ سوره اسراء که می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» می‌نویسد: ای پیامبر و هرکسی که مانند محمد (ص) مکلف شده‌ای، به طریق اولی از آن چیزی که درباره‌ی آن علم نداری تبعیت نکن، از هر طریقی که باشد از طریق شنوایی، بینایی و نفسانی و سپس بگویی دیدم ولی ندیدی و شنیدم در حالی که نشنیدی و احساس کردم در حالی که این‌گونه نیست. چون همه‌ی اعضای سمع، بصر و قلب آن چه که صاحب آن‌ها ادعا می‌کند، در برابر آن مسئولند (کرمی، ۱۴۰۲ق: ۵، ۲۱۰). مفسران اجتماعی

و تربیتی در تفسیر این آیه نکات بسیار خوبی استخراج نموده‌اند ولی ایشان در این حد بسنده کرده‌اند (شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۲، ۱۱۵-۱۲۸).

آیات ۹-۱۰ سوره‌ی حجرات که از مهم آیات اجتماعی و تربیتی در جامعه اسلامی است و درباره‌ی اخوت و صلح بین مؤمنین است که خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا... إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» هیچ‌گونه اشاره‌ای به تفسیر آیه نمی‌کند و البته حتی نکته‌ای در حد ترجمه نیز نمی‌نگارد. این رویکرد نشان می‌دهد که اولاً شیخ روش یکسانی در تفسیر آیات ندارد. ثانیاً بر خلاف ادعای خود به تفسیر همه‌ی آیاتی که پیام‌های تربیتی دارند، نپرداخته است. لازم به ذکر است دیگر مفسران اجتماعی از زوایای مختلف آیه و پیام‌های آن را بررسی و تشریح نموده‌اند (شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۲، ۱۶۵-۱۷۵).

آیات ۱۱-۱۴ سوره‌ی حجرات که درباره‌ی استهزاء، بدگمانی، غیبت، تجسس و لقب زشت است، از آیات مهم اخلاقی و تربیتی است اما شیخ کرمی شرح ساده‌ای در حد ترجمه ارائه می‌دهد و از آن می‌گذرد، این در حالی است که دیگر مفسران اجتماعی علاوه بر ذکر شأن نزول آیه، تفسیر خود را در چندین عنوان ارائه می‌نمایند و آسیب‌های این اعمال زشت را گوشزد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۸، ۴۸۰-۵۱۱)، (شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۲، ۸۶).

عدم اشاره به علوم قطعی

برخی از مفسران به دنبال کشف عقاید و احکام از قرآن هستند. اما مفسر اجتماعی به مسائل دیگری نیز نظر دارد. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌هایی که مفسران گرایش اجتماعی به آن توجه دارند، پرداختن به علوم تجربی قطعی است. به نظر می‌رسد انحصار برداشت از قرآن در یک حوزه و گروه خاص، امری غیر منطقی و مخالف با اهداف قرآن است. نیم‌نگاهی به اشارات علمی قرآن، با موضوعات مختلف علمی که روشن‌گر و هدایتگر ویژه در عرصه‌ی بهره‌مندی از آن در برابر مدعیان اصلاحات در جامعه‌ی بشری است، تفسیر علمی قرآن را ممکن و بلکه لازم و ضروری می‌نمایند (آقایی، بی تا: ۲۸).

ادعای ناسازگاری دین و قرآن با علم از جمله شبهات مهمی است که در بستر اندیشه‌ی مسیحی شکل گرفته و به اسلام تعمیم داده شده است. مفسر اجتماعی در مقابله با این طعن می‌کوشد تا با این تلقی نادرست مبارزه کند و ثابت کند که اسلام مشوق علم اندوزی است (شریف، ۱۴۰۲: ۳۶۷-۳۷۵). گرچه اهتمام اصلی تفسیر اجتماعی پرداختن به اعجاز علمی قرآن نیست، اما در بسیاری از آیات، مفسران همگام بودن قرآن با علم را به استناد کلام وحی ثابت کردند (رشید رضا، بی تا: ۱، ۲۰۱؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۲، ۳۸۷۸). بنابراین نتیجه می‌گیریم که تفاسیر اجتماعی به مسائل علمی ورود کردند اما شیخ کرمی در بسیاری از موارد اشاره‌ای به مسائل علمی قطعی ننموده است. به عنوان مثال ایشان در تفسیر آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی یس که درباره‌ی حرکت خورشید است (وَالشَّمْسُ تَجْرِي...) می‌نویسد: خورشید در مدار خود به دور خود می‌چرخد و تسبیح می‌گوید تا زمانی که روزی فرا می‌رسد که تاریک شود، همچنان که مرده خاموش گردد، آن هم خاموش یا متلاشی شود (کرمی، ۱۴۰۲: ۶، ۳۴۵) و در تفسیر آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی نمل به ترجمه اکتفا می‌کند (همان: ۱۸۸).

و در تفسیر آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی مؤمنون می‌نویسد: نطفه به خون مبدل، علقه رشد می‌کند، به گوشت غضروفی تبدیل می‌شود و سپس رشد غضروف به استخوان و گوشت می‌رسد. ایشان تبیین این آیه را هم در حد ترجمه ذکر می‌کند. این در حالی‌ست که مفسران اجتماعی به جزئیات آباتی که به مسائل علمی اشاره نموده‌اند، می‌پردازند و نسبتاً شرح‌های وسیع‌تری ارائه کردند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق: ۴، ۲۴۵۸؛ مراغی، بی‌تا: ۳، ۲۵).

نداشتن روشی یکسان در تفسیر آیات

طبیعی است که رویکرد مفسران در تفسیر و روش‌های تفسیری با همدیگر متفاوت است. بنابراین مفسران پیش از ورود به تفسیر، موضع و نحوه‌ی تفسیر و تبیین آیات را اعلام می‌دارند. مبانی تفسیر سبب چگونگی رویکرد مفسران در تفسیر و شکل‌گیری روش‌ها و احیاناً گرایش‌ها، اصول و قواعد تفسیری مفسران می‌گردد (مودب، ۱۳۸۶ش: ۱، ۲۵). به عنوان مثال اگر مفسری قرآن را کتاب زندگی بداند که برای اصلاح نظام اجتماعی نازل شده، تلاش می‌کند در این وادی قدم بردارد و نکاتی را که در زندگی بشریت کاربرد دارد را استخراج نماید. شیخ کرمی نیز محور معارف قرآنی و به‌طور کلی هدف از نزول کلام وحی را نزول قانونی می‌داند که بتواند چراغ راه نسل‌های مختلف بشری باشد (کرمی، ۱۴۰۲ق: ۱، ۱).

صاحب «التفسیر لکتاب الله المنیر» در رویکرد تفسیری خویش، گرچه در برخی از مسائل اجتماعی به منظور تبیین موارد مربوطه ورود می‌کند (همان: ۲، ۲ و ۱۸۴ و ۱۸۶ و ۲۳۹)، اما روش یکسانی در تفسیر وی مشاهده نمی‌گردد که به چند مورد اشاره می‌شود:

عدم داشتن روشی یکسان در تبیین لغات

کرمی در تفسیر برخی از آیات، لغات را ریشه‌یابی می‌کند اما معنای مورد نظر خود را بدون ارجاع به کتاب لغت خاصی مطرح می‌کند (همان: ۱، ۳۹). ایشان در آیه‌ی دیگری هیچ اشاره‌ای به معنای لغوی نمی‌کند (همان: ۱، ۱۲).

از روش‌های مشهود ایشان عدم اشاره به منبع تفسیری و یا حدیثی است و یا اگر اشاره‌ای داشته باشد، اشاره دقیقی نمی‌کند (همان: ۲، ۲۰۹).

ایشان در برخورد با اسباب النزول نیز روش یکسانی را اتخاذ ننموده است. به عنوان مثال در تفسیر آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی نساء، سبب نزولی را بدون ذکر منبع می‌آورد (همان: ۲، ۲۸۲). همین روش را در ذکر سبب نزول در ذیل تفسیر آیه‌ی ۳۲ آل عمران به کار می‌گیرد (همان: ۲، ۳۵). ولی در تفسیر آیات دیگر مانند آیه‌ی ۱ سوره‌ی انفال و ۱۱۴ هود که در کتاب‌های اسباب النزول برای آن‌ها سبب نزول ذکر کرده‌اند، اشاره‌ای به سبب نزول آن‌ها نمی‌کند (همان: ۴، ۱ و ۲۸۶).

عدم ارائه‌ی روشی یکسان در عنوان مطالب

یکی دیگر از روش‌های کرمی عدم ارائه‌ی روشی یکسان در تعیین عنوان مطالب جهت تفسیر آیات است. به عنوان مثال در تفسیر آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی انعام عنوان «العبره و الاعتبار» را ذکر نموده و می‌گوید: خداوند پیامبرش را امر فرمود که به مشرکان عصر خود بگوید که در زمین سیر کنند و به آن‌چه از آن می‌گذرید،

با تدبر بنگرید و به آن به چشم عبرت بنگرید. اما در بسیاری از آیات دیگر که دارای محتوای اجتماعی، علمی، تربیتی و... هستند، عنوانی را ذکر نمی‌کند(همان: ۲، ۲۵۹، ۶۷۴، ۲۶۳).

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و نقد رویکرد تفسیری شیخ محمد کرمی به عنوان یک مفسر اجتماعی پرداخته است. یافته‌های این مقاله به شرح ذیل می‌باشد: تفسیر اجتماعی قرآن شاخه‌ای از روش تفسیر اجتهادی- علمی است که در صدد کشف مراد الفاظ قرآن بر اساس نیازهای واقعی عصر حاضر است مفسر در این روش در تلاش است بین نظریه قرآن در زمینه مسائل اجتماعی با اهداف اجتماعی هماهنگی برقرار کند. یکی از انگیزه‌های تفسیر اجتماعی بازگشت جامعه‌ی مسلمانان به خویش، با محوریت قرآن است که در این زمینه مفسران اجتماعی سعی نموده‌اند درمان آسیب‌های اجتماعی را از آیات استخراج کرده و اثبات کنند دین صلاحیت اداره‌ی دین و دنیای مردم را دارد. از ویژگی‌های مهم تفسیر اجتماعی بازگشت به قرآن، تعقل و آزادی اندیشه، تأکید بر آموزه‌های تربیتی، اصالت جامعه، پویایی و نگاه نو به دین و تطورات زمانه و جمع بین قرآن و علم است. تفسیر اجتماعی با جمال الدین اسدآبادی شروع گردید و با افکار رشیدرضا تقویت یافت و در ادامه مفسرانی همچون مراغی، طباطبایی و مکارم شیرازی در این زمینه دست به تألیف زدند.

شیخ محمد کرمی سعی نموده برخی شاخصه‌های تفسیر اجتماعی از جمله: عقل‌گرایی، توجه به نکات تربیتی و توجه به عقل اجتماعی را در تفسیر خود رعایت نماید. اما روش تفسیری وی در همه‌ی آیات قرآن یکسان نبوده است و در بسیاری از مواد شاخصه‌های یک تفسیر اجتماعی را رعایت نکرده و به پیام آیاتی که نکات اجتماعی و عقلی دارد، اشاره ننموده است. از شاخصه‌های مهم تفسیر اجتماعی نگاه نو به دین و مطابقت تطورات زمانه و یافته‌های قطعی علوم با آیات قرآن است که در کتاب «التفسیر لکتاب الله المنیر» شیخ محمد کرمی مشاهده نگردیده و یا به ندرت اشاره شده است.

منابع

- ابن عاشور، محمد الفاضل (۱۹۷۰م)، التفسیر و رجاله، قاهره، مجمع البحوث الاسلامیه.
 احمد بن حسین الجعفی، المتنبی، (۲۰۰۸م)، دیوان المتنبی، داربیروت.
 اسعدی، محمد (۱۳۹۷ش)، جریان شناسی تفسیر اجتماعی عقلی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 امین، سیدحسین، دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، (۲۰۰۲م)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
 یاززی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، (۱۴۱۴ق)، وزارت ارشاد تهران.
 آقایی، محمدرضا، (۱۳۸۸ش) روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن، دوفصلنامه قرآن‌و علم، پاییز و زمستان.
 جمال، حمد، (۱۴۱۴ق)، اتجاهات الفكر الاسلامی المعاصر فی مصر فی النصف الاول من القرن الرابع عشر الهجری، ریاض، دارعالم الکتب.
 حنفی، حسن، التراث و التجدید، (۲۰۱۲م)، بیروت، الموسسه الجامعیه.
 خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، قم، دوستان.

- ذهبی، محمد حسین (بی تا)، **التفسیر و المفسرون**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- رشید رضا، محمد (۲۰۰۲)، **تفسیر المنار**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- رضایی، محمدعلی، (۲۰۱۱م)، **مناهج التفسیر و اتجاهاته**، بیروت، مرکز الحضاره.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۳۲ق)، **المناهج التفسیریة فی علوم القرآن**، قم، موسسه الامام الصادق.
- سیدبن قطب، **فی ظلال القرآن**، (۱۴۱۲ق)، دارالشروق، بیروت.
- شریف، محمد ابراهیم، (۱۴۰۲ق)، **اتجاهات التفسیر فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر**، القاهرة، دارالتراث.
- شریفی، علی، (۱۳۹۹ش)، **جریان شناسی مطالعات قرآنی معاصر**، پژوهش حوزه و دانشگاه، قم، سبحان.
- شرفاوی، عفت محمد، (۲۰۱۰)، **الفکر الدینی فی مواجهه العصر دراسه تحلیلیه**، بیروت، دارالعودة.
- شیرازی، مکارم، (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- صالح عبدالقادر محمد، (۱۴۲۴ق)، **التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث**، بیروت، دارالمعرفه.
- صباغ، محمد، (۱۹۹۰)، **لمحات فی علوم القرآن و اتجاهاته**، بیروت، المکتب الاسلامی.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲ش)، **پرتوی از قرآن**، تهران، شرمت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، **تفسیر المیزان**، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر، انتشارات اسلام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان**، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، **التبیین فی تفسیرالقرآن**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۸ش)، **آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران**، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- عنایت حمید، (۱۳۹۸ش)، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، مترجم: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.
- کرمی، محمد، (۱۴۰۴)، **بحوث و آراء**، قم، مطبعه العلمیه.
- کرمی، محمد، (۱۴۰۴ق)، **العقل و الدین**، بی جا، بی تا.
- کرمی، محمد، (۱۴۰۲ق)، **التفسیر لکتاب الله المنیر**، قم، علمیه.
- کرمی، محمد، (۱۳۶۶ش)، **الحیة الروحیه**، تهران، مطبعه الموسوی.
- مجدم الکعبی، عبدالله فاضل، (۱۳۸۷ش)، **الحیة الفاضله**، قم، ذوی القربی.
- محتسب، عبدالحمید، (۱۹۸۲م)، **اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن**، اردن، مکتبه النهضة الاسلامیه.
- مدرسی، سیدمحمدتقی، (۱۴۱۹ق)، **من هدی القرآن**، تهران، دار محیی الحسین.
- مراغی، احمد، (بی تا)، **تفسیر المراغی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹ش)، **فلسفه و تاریخ**، قم، انتشارات صدرا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۰ش)، **جامعه و تاریخ از نگاه قرآن**، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، زلال کوثر.
- معرفت، محمدهادی، (۱۹۹۷م)، **التفسیر و المفسرون**، مشهد، جامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مودب، سیدرضا، (۱۳۸۰ش)، **روشهای تفسیر قرآن**، قم، اشراق.
- مودب، سیدرضا، (۱۳۸۶ش)، **مبانی تفسیر قرآن**، دانشگاه قم.
- میبدی، رشید الدین، (۱۳۷۱ش)، **کشف الاسرار**، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: شمخی مینا، محفوظی موسوی سیدیوسف، شریفی علی، نقد رویکرد تفسیری شیخ محمد کرمی در تحلیل مؤلفه‌های تفسیر اجتماعی قرآن (با تأکید بر کتاب التفسیر لکتاب الله المنیر)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۴۹-۶۷.

